«بی‌مرز» در آستانه رونمایی از نخستین آلبوم

نخستین آلبوم گروه «بی‌مرز» در آیینی ویژه یکشنبه ۸ شهریورماه با حضور عوامل و اعضای آن رونمایی می‌شود. این گروه که فعالیت خود را از سال ۱۴۰۲ آغاز کرده، پس از برگزاری نخستین اجرای رسمی خود در تیرماه ۱۴۰۳، اکنون با انتشار نخستین آلبوم خود وارد مرحله تازه‌ای از فعالیت هنری‌اش می‌شود. این آلبوم با آهنگسازی و ترانه‌سرایی کسری احدیان و تنظیم مهدی نیکخواه بهرامی تولید شده و سولوهای گیتار الکتریک قطعات توسط رضا محمودی اجرا و طراحی شده است. همچنین مجتبی آخوندی صدابرداری این مجموعه و مهدی نیکخواه بهرامی میکس و مسترینگ آن را برعهده داشته‌اند. علیرضا تبریزیان به‌عنوان تهیه‌کننده و امیر خرازی به‌عنوان مدیر برنامه، در مسیر تولید و فعالیت حرفه‌ای گروه بی‌مرز حضور دارند. اعضای این گروه را کسری احدیان (خواننده، آهنگساز و ترانه‌سرا)، مجتبی آخوندی (درامز)، رضا محمودی (گیتار الکتریک-لید)، مهدی نیکخواه بهرامی (کیبورد)، محمدامین سیفی‌نیا (گیتار الکتریک-ریتم) و بنیامین کیانی (گیتار بیس) تشکیل می‌دهند. آیین رونمایی از نخستین آلبوم بی‌مرز از ساعت ۱۶ در پلتفرم ایوا، واقع در خیابان ولیعصر(عج)، بالاتر از طالقانی، کوچه فرهنگ حسینی برگزار خواهد شد.



جام جم
فرهنگ
CULTURE
۵
سه‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۵ شماره ۷۳۹۴

به بهانه سالگرد تولد کارگردان برجسته سینما

سینمای علی حاتمی علیه غرب‌زدگی



سعیدمستغاثی
گروه فرهنگ و هنر







در روزهایی که تجدد وارداتی رژیم طاغوت در ایران بیداد می‌کرد و زندگی سنتی ایرانی-اسلامی زیر هجوم فرهنگ غربی در محاق قرار گرفته بود، در ایامی که تب داغ بیتل‌ها و الویس پریسلی و شب ژانویه و موزیک‌های جاز و راک و فیلم‌های جیمز باند، تارزان و شزم در جامعه شهری بیداد می‌کرد و انواع و اقسام تزئینات غربی اعم از لوکسافلکس و کفپوش‌های پلاستر و پاراوان‌های لوردراپه و آشپزخانه‌های پیش‌ساخته و اوپن فضای خانه‌های آپارتمانی را در برگرفته بود. از طرف دیگر، خیل مدل موهای توییگی و فارا فاوست و مدهای ماکسی، مینی‌ژوپ و... جوانان را در دریایی از زرق و برق و فریب غرق کرده بود و علاوه بر همه اینها تلویزیون هم با انواع و اقسام شوها و سریال‌ها، این شکل پوشش و تزئینات و تفریح را بیش از پیش در روح و جان مردم تزریق می‌کرد و....

در همان زمان علی حاتمی از روزگاری می‌گفت سبک زندگی ایرانی-اسلامی آدم‌هایی باحیا و باصفا پرورش می‌داد که نان حلال می‌خوردند و قناعت می‌کردند و هوای همدیگر را داشتند. او همه ابعاد این سبک زندگی را در آن سال‌ها به فیلم‌هایش کشانید تا گوهر گرانبهای گمشده زندگی ایرانیان را به خاطرشان بیاورد.

حاتمی در فیلم‌هایش رفتار و اخلاق نجیب ایرانی را به نمایش گذاشت و پهلوانی‌ها و عشق‌های اثیری، لوطی‌گری‌ها و مردانگی‌ها را پروراند. به تاریخ قهرمان‌های ایرانی پرداخت، چه از نوع اصلاح‌گرایانه مانند امیرکبیر و مقابله‌اش با استعمار و فرهنگ استعماری و چه از نوع انقلابی‌اش که برای نخستین بار یک روحانی مبارز همچون میرزارضا کرمانی را به تصویر کشید.

علی حاتمی تقریبا در تمامی آثارش، زندگی ملی و دینی را مقابل سبک زندگی غربی قرار داد و ابعاد مختلف آن را در مسیر رشد و تعالی انسان‌ها یا حداقل آرامش و آسایش روحی آنها به نمایش گذاشت. از سلطان صاحبقران و هزاردستان گرفته تا کمال‌الملک و مادر.

اما اوج نمایش سبک زندگی ایرانی-اسلامی سینمای علی حاتمی در سریال تلویزیونی «هزاردستان» نمود پیدا کرد که در بخش‌ها و صحنه‌های متعددی از این سریال، شاهد تقابل فرهنگ ایرانی-اسلامی با فرهنگ به اصطلاح متجددانه وارداتی بودیم.

ارتش‌های اشغالگر در قلب تهران

مرحوم علی حاتمی در هزاردستان به وجه اشغالگرانه تجدد وارداتی در دوران پهلوی که سبک زندگی فرنگی‌مآب به همراه دارد اشاره داشت، آن‌گاه که نشان این تجدد را از دیدگاه رضا خوشنویس با حضور ارتش‌های اشغالگر در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ در تهران به تصویر می‌کشید. مدیر گراندهتل که یکی از واژده‌ها و شیفتگان تجدد غربی بود و در طول سریال با روحیه‌ای بسیار متزلزل و شخصیتی نوکرمآب اما با ظاهری متین و آراسته تصویر می‌شد، مقابل اعتراض رضا خوشنویس (به‌عنوان کاراکتر مثبت داستان) به حضور سربازان متفقین می‌گفت: «مدیر داخلی: شما می‌تونین تمام روز شاهد یه کارناوال باشکوه باشین. نماینده ارتش‌های دنیا، با یونیفورم‌های جالب، در کنار ایرانیایی که رفته‌رفته شبیه اروپاییا میشن، چهره شهر رو شاداب‌تر کرده.

خوشنویس: در روزهای اشغال پایتخت، چهره شهر شاداب‌تره؟!

مدیر داخلی: تصور بنده اینه که ورود ارتش‌های بیگانه برای مردم ایران یه توفیق اجباریه که در رویه زندگی اجتماعی اونا تاثیر فوق‌العاده‌ای داره. خلقیات اروپایی‌ها، خصوصا آمریکاییا که باید سرمشق ملت ما باشن، جز از طریق برخورد میسر نبود. چون عامه مردم بضاعت سفرفرنگ رو که ندارن».

انگار این همان حرف‌های شبه‌روشنفکران امروز و نمونه‌ای از اشغال اذهان این شبه‌روشنفکران توسط غربی‌هاست که از اشغال سرزمین و آب و خاک فاجعه‌بارتر است و در طول تاریخ ما تا همین امروز همواره باعث شکست‌ها، تحقیرها و عقب‌افتادگی‌های این سرزمین شده است. اما آن سبک زندگی وارداتی، چهره واقعی خود را با صحبت‌های رضا خوشنویس بیشتر نشان می‌داد، وقتی در بالکن اتاقش در گراندهتل به روزگار به اصطلاح نوی تهران (یا ایران) چشم دوخته بود و حضور ارتش‌های اشغالگر را بیش از هر چیزی در آن واضح می‌دید. او با حسرت می‌گفت:

«تهران من آمدم. ۳۰ سال دیرتر، ۳۰ سال پیرتر. تهران! شهر اشغال‌شده، موطن، مادر، کی برگ کرد تو را به این هیات شنیع؟»

> **مرحوم علی حاتمی هجوم تجدد فرنگی به هویت ایرانی را تنها به اشغال فیزیکی ایران توسط قوای بیگانه منحصر نکرد بلکه این اشغال را به‌صورت نفوذ فکری و روحی نیز به تصویر کشید**

وقتی جعفرآباد به نیوجف تبدیل شد!

مرحوم علی حاتمی، هجوم تجدد فرنگی به هویت ایرانی را تنها به اشغال فیزیکی ایران توسط قوای بیگانه منحصر نکرد بلکه این اشغال را به‌صورت نفوذ فکری و روحی نیز به تصویر کشید؛ همان نفوذی که در معنای ادبیات سیاسی امروز و به قول جوزف نای (نظریه‌پرداز آمریکایی) توسط قدرت نرم صورت می‌گیرد.

نهایت این نفوذ خناسانه را علی حاتمی به شکل شبه‌کاریکاتوری در فیلم «جعفرخان از فرنگ برگشته» تصویر کرد و منادیان تمدن و سبک زندگی غربی را به مضحکه کشید. جعفرخان که پسر اکبرچلویی بود، وقتی پس از چندین سال از تحصیل در فرنگ بازمی‌گشت، قرار بود جعفرآباد را براساس یک ساختار مدرن غربی به نیوجف تبدیل کند اما او به جز یک‌سری حرف‌های قلمبه‌سلمبه هیچ سخن و حرف دیگری در چنته نداشت.

حاتمی با هوشمندی، تناقض‌های پایان‌ناپذیر سبک زندگی غربی در زندگی انسان ایرانی را در کادر دوربینش قرار می‌داد و زندگی ایرانی-اسلامی را اصلی‌ترین مایه حفظ هویت و ارزش‌های فرهنگی این ملت می‌دانست.

حکایت عمو نشاط و نصرالله‌خان

قابل تأمل‌ترین مثال در باب نگاه محوری حاتمی به سبک زندگی ایرانی-اسلامی برای حفظ هویت و ریشه‌ها، سکانس‌هایی در اولین قسمت سریال هزاردستان بود که عمو نشاط (کارمند اداره احصائیه) می‌خواست در روز سرشماری عمومی، آداب و رسوم به اصطلاح متجددانه را به برادرزاده‌اش نصرالله یاد بدهد. اگرچه نصرالله‌خان ابتدا بسیار راغب به آموزش و یادگیری آن اصول بود. چون می‌خواست شغل کاسبی پدری را رها کند و به اصطلاح اداره‌جاتی و دولتی شود ولی به‌تدریج آنها را با هویت خانوادگی، سنن ملی و اعتقادات دینی‌اش در تناقض دید و به عمویش گفت به همان شغل بازار برمی‌گردد که شاگردی دکان پدرش، هزارمرتبه به نوکری دیگران شرف دارد.

زندگی عزتمندانه مادر در غیاب همسر در تبعید

روایت حاتمی از تقابل سبک زندگی ایرانی با نوع به اصطلاح متجددانه‌اش، در فیلم «مادر» شکل ملموس‌تری یافت. خانواده‌ای که شیرازه‌اش درون سبک زندگی فرنگی‌مآب، گسسته‌شده و با همت مادری که اواخر عمرش را سپری می‌کند از مظاهر آن نوع سبک زندگی وارداتی یعنی آپارتمان‌های تنگ و آسایشگاه‌های روانی، خانه سالمندان و... جدا شده و در خانه پدری خویش، بار دیگر شکل و شمایل یک خانواده را به خود می‌گیرد. جلال و همسرش، غرق در روزمرگی سرسام‌آور زندگی ماشینی، حتی فرصت دیدار یکدیگر را نیز نداشته و حرف‌های‌شان خطاب به هم را روی نوار کاست ضبط می‌کردند و به‌گوش هم می‌رساندند. محمد ابراهیم اگرچه زن و فرزندانش را غرق نعمت و پول کرده ولی همین اشرافیت موجب دوری آنها از یکدیگر شده بود که هر دم آرزوی مرگ یکدیگر را داشته باشند. ماه منیر از شکست در سه تجربه ناموفق خود در ازدواج‌هایش بازگشته، غلامرضا کوچک‌ترین فرزند خانواده در آسایشگاه روانی به سر می‌برد و جمال از جنوب و تبعیدگاه پدر می‌آمد و تنها فرزندی بود که بوی پدر را می‌داد؛ پدری ارتشی به نام سلطان حسینقلی‌خان ناصری که به‌دلیل نافرمانی در اجرای دستور شلیک به تظاهرات مسجد گوهرشاد علیه قانون کشف حجاب رضاخانی، یعنی به‌خاطر یکی از جدی‌ترین مواجهه‌های خشونت‌بار تجدد وارداتی علیه سنت‌های دینی و ملی ایرانی، تبعید شد و در تبعید از دنیا رفت.

مادر در آخرین روزهای عمر از آسایشگاه سالمندان به خانه برگشته تا به قول ماه‌طلعت (تنها فرزند درست و درمان این خانواده)، خانه گلستان پدری را کامل کند و اینچنین همه آن فرزندان پراکنده و دورافتاده دوباره گرد هم می‌آیند.

بخشی از گفت‌وگوی حسینقلی‌خان و همسرش سارا (همان مادر فیلم) که در زیر می‌آید، در عین لطافت و ظرافت دیالوگ‌ها، نمونه‌ای درخشان از عزت‌مداری سبک زندگی ایرانی-اسلامی (در مقابل خودباختگی تجددگرایان) به‌شمار می‌آید که در اوج عسرت و تنگدستی، عزت نفس خود را حفظ می‌کند، در شبی که حسینقلی‌خان ناصری در راه تبعید برای آخرین بار به دیدار همسر و بچه‌هایش رفته است:

«سارا: تو خونه برنج و آرد و حبوبات داشتیم. نخواستم تدارک شام مهمونی ببینم. خواستم بدونی بچه‌ها چی می‌خورن.

حسینقلی‌خان: هر شب نان و سیب‌زمینی؟

سارا: یه شب با نعنا، یه شب با گلپر. نمیذارم یکنواخت شه... عهد کردم تا اتمام دوره زندان برای گذران زندگی به‌جز دستام، دستی رو به یاوری نگیرم. همه هستن، برادرم، خویشاوندان شما، حتی کسبه. به محمدابراهیم پیغام دادن به مادر بگو بیاد بار و بنشن ببره. ما با سلطان حساب داریم. قبول نکردم. با چرخ این چرخ خیاطی رفتم به جنگ چرخ فلک».

اثر واپسین درباره پیامبر خاتم(ص)

آخرین اثر و آرزوی دیرین مرحوم علی حاتمی- که به مرحله تولید و ساخت نرسید- و می‌خواست وصیتنامه هنری‌اش باشد، یک فیلم تاریخی بود ولی نه از جنس تاریخ معاصر بلکه از نوع تاریخ اسلام و درباره رسول اکرم(ص).

حاتمی می‌خواست با آخرین اثرش، سیر فیلمسازی خودش را در پایان راه به یک نقطه اوج برساند که نهایت دریافتش از تاریخ و هستی و تبلور تمامی تحلیل‌هایش از ماهیت اخلاق و عزت و انسانیت به‌شمار آید؛ درباره پیامبر رحمتی که اسوه و الگوی همه آن دنیا و آخرتی بود که باورهایش را پای آن گذارد اما متأسفانه عمرش کفاف نداد.

یادداشت

دکتر موسی نجفی | استادتمام علوم سیاسی

تأثیر سیدجمال‌الدین اسدآبادی بر فهم جریان‌شناسی سیاسی امروز

یکی از شخصیت‌های مطرح در تاریخ بیداری اسلامی در ایران و عثمانی و برخی کشورهای اسلامی مرحوم سیدجمال‌الدین اسدآبادی است اما به‌رغم شخصیت انقلابی او، پژوهش در افکار و نظریات و شذوذات ذهنی وی حاکی از نوعی دوگانگی و سردرگمی نسبت به تمدن غربی و نسبتش با جهان اسلامی است. با توجه به جایگاه سید به‌عنوان یکی از شخصیت‌های پیشتاز روشنفکر دینی در ایران و عثمانی و برخی کشورهای عربی و شبه‌قاره هند این برخورد خاص سبب شده تا امروز تفضیل این اندیشه نسبت به شناخت غرب ابهاماتی جدی برای پیروانش ایجاد کند و ادامه‌دهندگان اندیشه سید در زمان ما از نظر «اجمال» در زمره یاران انقلاب اسلامی و از نظر «تفضیل» از جاماندگان فهم انقلاب اسلامی نسبت به تمدن و ماهیت غرب باشند. در این زمینه یکی از دوستان محقق در فایلی صوتی پرسشی را در این مورد مطرح کرده و نظر امام راحل را در مورد سیدجمال ارائه داده‌اند. به منظور جواب به پرسش ایشان، بنده در چند سال قبل به مناسبت پاسداشت مقام استاد برجسته و غرب‌شناس معاصر مرحوم دکتر کریم مجتهدی، مطلبی مهم و علمی از ایشان در مورد سیدجمال را مورد بحث قرار داده و همچنین نکاتی دیگر را هم که قبلا در مورد سید گفته بودم به آن افزوده و در مجموع مناسب دیدم در شرایط امروز ایران خودمان با غرب این موارد را یک بار دیگر بازخوانی کنم. از موارد قابل تحقیق این بررسی به‌خصوص شباهت و تأثیر یا حتی تمایز برخی جریانات فرهنگی سیاسی بینابینی امروزی مثل اصلاح‌طلبان با موضوع مورد نظر است.

کوشش بی‌مردم، ثمر ندارد

تنها جمله امام در مورد سیدجمال‌الدین اسدآبادی: سؤال آخر من، درباره شخصیت سیدجمال‌الدین اسدآبادی است. آیا شما او را شخصیت برجسته‌ای می‌دانید؟

امام: جمال‌الدین مرد لایقی بوده است، لکن نقاط ضعفی هم داشته و چون پایگاه ملی مذهبی در بین مردم نداشته، از آن جهت زحمات او با همه کوشش‌ها، به نتیجه نرسید؛ و دلیل بر این‌که پایگاه مذهبی نداشته است، این‌که شاه وقت، او را گرفت و با وضع فجیع، تبعید کرد؛ عکس‌العملی نشان داده نشد؛ و زحمات او، چون این پایگاه را فاقد بود، به نتیجه نرسید. (صحیفه، ج۵، ص۲۹۰)

سیدجمال را نمی‌شود ندید؛ یعنی کسانی که بخواهند به عمق مسائل تاریخی و اجتماعی وارد شوند، باید سید را ببینند. نمی‌شود روی شخصیت سیدجمال ایستاد، چون خیلی شناور است، شخصیتش سیال است و اگر بایستید، شاید خودش یک نوع رکود محسوب شود. از سید باید عبور کرد، که همین عبور، به‌خودی‌خود یک نوع رشد است اما چطور از سید عبور کنیم؟ این، خودش کار ساده‌ای نیست، چون سیدآدم بزرگ و خیلی جالبی است. بحث‌هایی قبلا راجع به سید بود که این سیدآیا فراماسون هست یا نیست، ایرانی است یا افغانی، شیعه است یا سنی؛ که خود سیدجمال هم به اینها پاسخ نمی‌دهد. چیزهایی که سید روی آنها تعصبی ندارد، نه روی ایرانیتش می‌ایستد، نه روی اسدآبادی‌بودنش، نه روی تشیعش و نه حتی روی سید بودنش. با این همه، سیدجمال شخصیتی انقلابی و جنجالی است. لذا شناخت سید واجب است؛ هرچند روی سید نباید بایستیم. (به‌عبارتی، نباید در ابعاد شخصیتی او متوقف بمانیم.) اما عبور از سید چطور باید صورت بگیرد؟ اینها درسی است که باید پژوهید اما مهم، در این میان، معمای سیدجمال است که باید حل شود.

معمای دیروز، راهگشای روشنگر امروز

معمای سیدجمال باید حل شود. حل این معما می‌تواند برای سیاست امروز ما و شناختی که از سیاست داریم، بسیار مغتنم باشد. سیدجمال دوبعد دارد؛ یکی از این ابعاد در هند، طی مقابله با سید احمدخان هندی نمایان شد؛ دیگری در ایران و در مقابل متجددین افراطی، مثل فتحعلی آخوندزاده، طالبوف، مشیرالدوله، میرزا حسین‌خان سپهسالار و... ظهور و بروز یافت. اتفاقا در خصوص این وجه شخصیتی سیدجمال (در پژوهش نقادانه) آقای دکتر کریم مجتهدی را می‌بینیم که از سید تعریف می‌کنند و می‌گویند درباره این آدم و وجوه شخصیتی و تحلیل افکارش، می‌شود از پراگماتیسم صحبت کرد تا مصلح و اتفاقا درباره نظرگاه سید به نسبت متجددهایی که یادشد، می‌گویند که سید، به‌نسبت، از آنها عمیق‌تر است.

متن کامل را در جام‌جم آنلاین بخوانید

جام جم

گوگل در خدمت ماشین جنگی آمریکا

ردیابی تبلیغات منفی منتشرشده در اینترنت تصویر پیچیده‌تری از جنگ رمضان در فضای مجازی را ترسیم می‌کند

در زمانه جنگ ماه رمضان، پس از برقراری نوعی سکوت نظامی میان آمریکا و رژیم صهیونیستی و ایران سروکله یک‌سری تبلیغات علیه ایران و مقامات دولتی هم پیدا شد. تبلیغاتی جهت‌دار که عمدتا در قالب وبسایت‌های شبه‌خبری منتشر شده‌اند و انواع مختلفی دارند که از موضوعات اقتصادی شروع می‌شود و تا شخص رئیس جمهور ادامه پیدا می‌کند. اما پشت پرده این تبلیغات چیست؟ آیا صرفا یک تبلیغ جهت‌دار است یا شبکه‌ای عظیم و ریشه‌دار پشت آن قرار دارد؟ در این گزارش قصد داریم تا پشت پرده ۲۰ ساله این عملیات را بررسی کنیم.

اینترنت، جبهه تازه جنگ

جنگ‌ها در دنیای امروز دیگر محدود به عرصه‌های فیزیکی مثل زمین، آسمان و دریا نیستند و بخش مهمی از رقابت میان دولت‌ها به فضای دیجیتال، از موبایل گرفته تا شبکه‌های اجتماعی و وبسایت‌های خبری، جریان دارد. جایی که هدف دیگر از کار انداختن زیرساخت یا سرقت داده نیست، بلکه تغییر ادراک و رفتار مخاطبان است. تبلیغاتی هم که پیش از این درباره آنها صحبت کردیم در همین چارچوب قرار می‌گیرند. تبلیغاتی که شامل وبسایت‌های چند زبانه مثل پیشتاز نیوز و الفاصل نیوز می‌شوند می‌تواند نشانه‌ای از تغییر رویکرد نفوذ اطلاعاتی آمریکا باشد. در این مدل جدید به‌جای اتکا بر حساب‌های جعلی و ربات‌ها از رسانه‌های شبه‌خبری، تولید محتوای بومی، تبلیغات پولی و رساندن مستقیم محتوا به کاربران واقعی استفاده می‌شود تا دسترسی به مخاطبان واقعی افزایش یابد و اثرگذاری آن بر افکار عمومی پایدارتر باشد.



پیمانکار پنتاگون پشت تبلیغات گوگل

قدم اول برای بررسی پشت‌پرده این تبلیغات، شناسایی شرکتی است که هزینه انتشار آنها را در سطح اینترنت و گوگل پرداخت کرده است. با یک جست‌وجوی ساده و کلیک روی یکی از این تبلیغات گوگل، مشخص می‌شود که شرکت General Dynamics Information Technology هزینه آن را تقبل و تبلیغ را منتشر کرده است. این شرکت زیرمجموعه یکی از بزرگ‌ترین پیمانکاران دفاعی آمریکا یعنی General Dynamics است و برای نهادهای مختلفی ازجمله وزارت دفاع، فرماندهی‌های رزمی و جامعه اطلاعاتی ایالات متحده خدمات فناوری ارائه می‌دهد. شرکت مذکور در حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی، رایانش ابری، امنیت سایبری و نوسازی زیرساخت‌های فناوری برای دولت آمریکا فعالیت می‌کند و حتی پروژه‌هایی برای فرماندهی مرکزی ایالات متحده (CENTCOM) اجرا کرده است.

TRWI؛ پروژه‌ای برای مخاطبان

با این حال اهمیت این شرکت به فعالیت‌های آن محدود نمی‌شود، بلکه در سابقه‌ای است که این پیمانکار از خود برجای گذاشته است. GDIT پیش از این یک برنامه رسانه‌ای برای فرماندهی عملیات ویژه آمریکا دارد که با نام Trans-Regional Web Initiative یا TRWI شناخته می‌شود. برنامه‌ای که به حدود دو دهه پیش برمی‌گردد و در اواخر دهه ۲۰۰۰ توسط فرماندهی عملیات ویژه آمریکا راه‌اندازی شد. در سال ۲۰۰۹، وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد شرکت General Dynamics Information Technology قراردادی به ارزش اولیه حدود ۱۰/۱ میلیون دلار برای اجرای برنامه Trans-Regional Web Initiative دریافت کرده است. در چارچوب این برنامه GDIT مسئولیت مدیریت مجموعه‌ای از وبسایت‌ها و کانال‌های رسانه‌ای را بر عهده داشت که برای مخاطبان خاورمیانه، شمال آفریقا و آسیای مرکزی طراحی شده بودند.

رسانه‌هایی که وابستگی خود را پنهان نمی‌کردند

این رسانه‌ها با پوشش موضوعاتی چون ثبات منطقه‌ای، حقوق بشر و توسعه اقتصادی، در باطن به تولید روایت‌هایی همسو با سیاست خارجی آمریکا می‌پرداختند و همزمان با نقد رقبایی نظیر ایران و روسیه، خط مشی مشخصی را دنبال می‌کردند. جالب آن‌که این وبسایت‌ها در همان زمان، وابستگی آشکار خود به ارتش آمریکا را بدون هیچ پرده‌پوشی اعلام می‌داشتند. در نهایت این برنامه با انتقادهای گسترده مواجه و سال ۲۰۱۴ بودجه آن توسط کنگره قطع شد.

پایان رسمی، تداوم عملیاتی

بااین‌حال، دولت اوباما در بیانیه سیاست اداری با شماره ۱۱۹۷S- تحت عنوان قانون مجوز دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۴ اعلام کرد که با محدود شدن این برنامه مخالف است و در موضع رسمی خود TRWI را ابزاری مهم برای عملیات نفوذ آنلاین در حمایت از اهداف فرماندهی‌های رزمی آمریکا توصیف کرد. اما این پایان TRWI نبود و در سال‌های بعد بخشی از این اکوسیستم در سال‌های بعد در قالب برندها و وبسایت‌های جدید مانند Al-Shorfa به Al-Mashareq و Mawtani به Diyaruna تغییر نام و به فعالیت خود ادامه داد و برخی پیوندهای زیرساختی میان نسل‌های مختلف این شبکه باقی ماند و وابستگی خود را به ارتش آمریکا کمرنگ کردند.

متن کامل را در جام‌جم آنلاین بخوانید